

بیانیه کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی»

شنبه ۲۸ آذر ۱۳۸۸ - ۱۹ دسامبر ۲۰۰۹



با تعمیق و گسترش خشونت در اشکال مختلف در جامعه به ویژه پس از حوادث اخیر، موجی از نگرانی در میان دلسوزان این سرزمین ایجاد شد. این دغدغه ها و نگرانی ها در میان ما زنان صدچندان بوده است، زیرا زنان ایرانی طی قرون و اعصار متمادی از اصلی ترین قربانیان درگیری های سیاسی اجتماعی اقتصادی خشونت انگیز جامعه بوده اند و در حافظه جمعی خویش، انواع گونه های خشونت را ثبت کرده و با گوشت و پوست خود لمس می کنند که هر گونه خشونتی که در جامعه ایجاد شود، قربانیان اصلی آن، زنان هستند. هم از این روست که زنان امروزه تمام قد در برابر خشونت ایستاده اند و با تمام وجودشان سعی دارند که نگذارند خشونت پیشگان از هر سو که باشد، آن ها و سایر آحاد اجتماع را در دور باطل خشونت و بازتولید چرخه خشونت و نفرت، سرگردان و اسیر کنند. خشونت نهادینه شده ای که در اقصی نقاط کشور و نیز در مقابل فعالان جنبشهای اجتماعی همواره به صورتی خزنده وجود داشته و چه بسا امکان انعکاس مؤثر نمی یافت، این بار نمودی بارزتر و تجمع یافته تر از پیش بخود گرفت.

از آغاز خیزش دموکراسی خواهی اخیر مردم، زنان در گروه های پرتعداد در بطن جنبش سبز به خیابان ها آمده اند و مانند سایر کنشگران این جنبش و گاه حتا بیشتر با خشونت های گسترده حاکمیت مواجه شده اند، هم از این رو ضمن پیگیری مطالبات مدنی این جنبش، از همان آغاز از طریق گفتگو با جوانان و نیروهای نظامی و شبه نظامی از گسترش خشونت در ابعاد وسیع تر ممانعت به عمل آورده اند. خشونتی که پیش از جریانات اخیر، زنان و فعالان مدنی ایران انواع گونه های آن را در زندگی اجتماعی و خصوصی خود تجربه کرده بودند، پس از انتخابات، به شکل خشونت سیاسی به منظور یکسان سازی یافت قدرت و برای کنترل اعتراضات مردمی، شدت و گسترش بیشتری پیدا کرده است. از جمله:

- تشدید خشونت علیه زنان با گسترش نگرش تحقیرآمیز به زنان و اعمال قوانین و سیاست های تبعیض آمیز همچون تفکیک های گسترده جنسیتی در عرصه عمومی جامعه

- افزایش رفتار خشونت بار و سرکوبگرانه با تجمعات قانونی و مسالمت آمیز مردم. به طوری که به رغم شیوه های مسالمت جویانه مردم، برخی از مسولان که باید نقش مدعی العموم و مدافع مردم را داشته باشند به تهدید و ارباب مردم و طرح مجازات اعدام در برابر رفتار مدنی و مسالمت جویانه آنها اقدام کرده اند.

- افزایش بی رویه احضار، تهدید، اخراج از کار و تعلیق و محرومیت از تحصیل و ممنوعیت خروج فعالان مدنی از کشور.

- افزایش بازداشت های گسترده و برخوردهای غیرقانونی خشونت آمیز در بازداشتگاه ها و زندان ها.

- افزایش صدور احکام سنگین مجازات، مانند زندان های طویل المدت، احکام اعدام و اجرای آن ها.

- گسترش گفتمان خشونت گرا از طریق رسانه ها در سطح جامعه.

- افزایش خشونت علیه نیروهای دگراندیش و حذف فعالان همه جنبش های اجتماعی و گروه های سیاسی و مدنی.

در چنین شرایط آکنده از خشونت، زنان با تکیه بر تجارب خود در هم اندیشی های زنان، کمپین های گوناگون (از جمله کمپین یک میلیون امضاء، کمپین ضدسنگسار و سایر ابتکارات و ائتلاف های گروهی) و در گروه های متکثر زنان، فعالان حقوق بشر و صلح (از جمله مادران صلح و...) تلاش کردند با استراتژی های گوناگون به مقابله با خشونت پدید آمده در جامعه بپردازند. آن ها نیک می دانند که اصلی ترین راه مقابله و مقاومت در قبال چنین خشونت هایی، ایجاد و گسترش گفتمان و عملکردهای پرهیز از خشونت است، گفتمان و رفتاری که نه تنها به دنبال حذف «رقیب»، و مخالف به عنوان «دشمن» نیست، بلکه اتفاقاً بقای خود را در زندگی مداراجویانه با تمامی اندیشه ها، روش ها و افکار مخالف و متضاد یکدیگر در عرصه های اجتماعی و سیاسی می داند. زنان به عنوان اصلی ترین قربانیان خشونت به درستی دریافته اند که خشونت، چرخه ای است که می تواند مرتباً خود را در حوزه های مختلف بازتولید کند و از خشونت های سیاسی به خشونت های اجتماعی و سپس به خشونت های خانگی تبدیل شود. زنان به تجربه دانسته اند که پررنگ شدن و افزایش خشونت در یک عرصه، به باز تولید آن در عرصه های دیگر منجر می شود.

از این رو فعالان جنبش زنان تلاش می کنند از طریق روشنگری و آگاهی رسانی به جامعه هشدار دهند که مهار پدیده خشونت در عرصه های عمومی و خصوصی در شکل فردی و اجتماعی نیازمند آگاهی، شناخت و تجزیه و تحلیل فرآیند شکل گیری خشونت است. هنگامی می توان به مهار پدیده خشونت دل خوش بود که جامعه بتواند با شناخت این پدیده، از ارزش ها، نگرش ها و رفتارها و عملکردهای خشونت آمیز و

حذفی چنان فاصله گیرد که بتواند گفتمان خشونت گرا را که زمینه ساز سایر خشونت ها و حذف هاست ، در گستره فراگیر افکار عمومی از هر نوع مشروعیتی ساقط سازد. تا وقتی نظام ارزش های دو قطبی «حق / باطل»، «دوست و دشمن»، «مرگ / درود»، «خوب و بد» که بستر ساز حذف و خشونت های فیزیکی است، در بطن جامعه بازتولید شود، بی شک قدرت مداران نیز می توانند رفتارهای خشونت آمیز خود را توجیه کنند. هم از این روست که تنها ابزاری که جامعه مدنی و جنبش های اجتماعی برای کنترل و مهار خشونت در مراحل گذار اجتماعی از مرحله ای به مرحله دیگر دارند، فاصله گرفتن و طرد و نفی هر نوع نظام ارزشی قطبی شده و سیاه و سفید، از طریق بسط «گفتگو» و آگاهی رسانی در عرصه عمومی است. بی شک زمانی که گفتگوی مسالمت آمیز به مثابه یک ارزش در تمامی سطوح جامعه عمومیت یابد می توان امیدوار بود که روند تغییر و تحولات با هزینه های هرچه کمتر به وقوع خواهد پیوست.

زنان کنشگر جامعه ما عمیقاً باور داشته و دارند: خشونت، خشونت می آفریند و دستیابی به حقوق برابر و دمکراسی درونزا، بدون دوری گزیدن از رفتارهای تمامیت طلبانه خشونت زا، عملاً امکان پذیر نیست. بدین ترتیب این بار نیز زنان با رویکرد نفی خشونت و درونی کردن رفتارهای دمکراتیک در سلوک آحاد جامعه به میدان آمدند.

همین رویکرد زنانه بود که در تجمعات خیابانی و بازداشت های گسترده اخیر، وقتی دولت بی محابا دست به خشونت زد و با هرگونه روش تساهل و مدارا و تفاهم با مردم ضدیت ورزید، زنان خود را نه تنها سپر بلای جوانانی که مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند کردند بلکه سپر بلای جوانان سرکوب گری شدند که در معرض برخوردهای تلافی جویانه قرار می گرفتند، تا هم از حجم سرکوب و خشونت ها بکاهند و هم آنکه اجازه ندهند خشونتگران بیش از این، مردم صلح دوست ایران به ویژه جوانان را به آدم های وحشت زده ای تبدیل کنند که برای بقای خود راهی جز روی آوردن به قهر و خشونت متقابل نمی یابند.

در پرتو همین رویکرد زنانه بود که وقتی حاکمان به دستگیری های گسترده اقدام کردند، زنان به جای برخوردهای «واکنشی و خشونت گرایانه»، در مقام کنشگرانی آگاه در برابر خشونت ورزی و قربانی سازی از زندانیان ایستادگی کردند و توانستند مفهوم عشق و همدلی را در حوزه خشن و مذکر سیاست و سیاست ورزی سنتی، وارد کنند. از یک سو با نوشتن نامه های عاشقانه به همسرانشان و گفتن آشکارای حدیث دل با آنان و از سوی دیگر با تلاش پیگیر برای اثبات مظلومیت عزیزان دربندشان به گفتگو و تعامل با مسئولین و متنفذین جامعه پرداختند و با برگزاری جشن های «تولد» به جای «مراسم عزداری» توانستند تصویر و نقش مرسوم زن ایرانی را به عنوان «قربانی مظلوم

قدرت» به نقش و تصویر «زن خودآگاه و کنشگر» نزدیک سازند. همین رویکرد بود که مادران عزادار را به جای سوگواری در خلوت، به مقاومت و حضوری مسالمت آمیز و مستمر در فضای عمومی و به جای انتقام جویی فردی به دادخواهی و تشکیل محکمه های عادلانه و عاری از قصاص و در نهایت به جای گسترش فرهنگ انتقام، به نماد صلح و عدالت خواهی و پیام آوران اصل «پرهیز از خشونت» تبدیل ساخت. همین رویکرد بود که زنان را به حمایت برابر از تمامی زندانیان خواه گمنام و خواه مشهور و از گروه ها و احزاب مختلف واداشت تا آنجا که توانستند اسطوره قهرمان سازی های مذکر و کلیشه ای را بشکنند و با آگاهی به محدودیت های جسمی و روانی انسان و با رنگ زمینی بخشیدن به رفتارهای زندانیان سیاسی، گفتمان «مقاومت اسطوره وار فردی» را به گفتمان «مقاومت انسانی و جمعی» در برابر خشونت، ارتقاء دهند.

همین رویکرد بود که زنان را قادر ساخت با شکستن تابوها و کلیشه های اخلاقی ناموس محور که دستاویزی برای آزار جنسی زنان در زندان هاست، حربه شکنجه ها و خشونت های جنسی را ناکارآمد سازند. همین رویکرد بود که زنان هنرمند در عرصه های مختلف هنری و نیز رسانه ها را بر آن داشت تا تمام امکانات و تریبون های خود برای پژواک صدای مسالمت آمیز و مدنی مردم در مقابل صدای پر حجم خشونت طلبان به کار گیرند.

همین رویکرد بود که زنان قربانی خشونت در عرصه های اخراج از کار، ممنوع از تحصیل و ممنوع الخروج را پیشگام شکایت ها و پیگیری های حقوقی و قانونی و اعتراضات مدنی و مسالمت آمیز در برابر نقض حقوق شهروندی کرد.

همین رویکرد بود که سبب شد وکلای زن در برعهده گرفتن وکالت انبوه دستگیرشدگان وقایع اخیر، جلودار شوند و با طرح شکایت های حقوقی راهی مسالمت آمیز در بن بست های اجتماعی بیابند.

همین رویکرد بود که رشد تکثر گرایی در جنبش زنان را موجب شد و در تداوم تجربه های گذشته زمینه تشکیل «همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات زنان در انتخابات» با هر فکر و گرایش و نگرشی را پدید آورد، تکثر گرایی خود آگاهانه ای که از چنین تجربه هایی در جنبش های گوناگون اجتماعی به جنبش سبز راه یافت. بی شک این تکثرگرایی می تواند بر بستر گفتگو و شنیدن صداهای مختلف و توجه به خواسته های جنبش های مختلف اجتماعی هرچه گسترده تر و در سطحی ملی فراگیر شود.

....

و بالاخره همین رویکرد و کنش های آگاهانه زنان بود که جنبش زنان و

فعالان این جنبش را به «حاملان اصلي گفتمان خشونت پرهيز» در جنبش سبز و در گستره ملی تبدیل ساخت.

به این ترتیب اصل عدم خشونت به عنوان «رویکرد مشترک میان جنبش زنان و جنبش سبز»، به مثابه حلقه پیوند زنان با این جنبش فراگیر شد. و از همین روست که امروز ما بر آن شدیم تا با ایجاد کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی» و با تاکید بر همین عملکرد خشونت پرهيز زنان در جنبش سبز، پیوند ایجاد شده را نهادینه سازیم.

به باور ما یکی از کارآمدترین ابزار در فرایند مقاومت مدنی و احقاق حق، گسترش «گفتگو» در عرصه عمومی است. در نتیجه ما نیاز داریم حرف بزنی و حرفهای همدیگر را گوش کنیم، نیاز داریم همگی مان برای یافتن راه حل عبور از بحران ها و نابرابری ها، به طرز مسئولانه و در فضای مدارا جویانه و مسالمت آمیز گفتگو کنیم. تا از گفتگو پلی برای گسترش گاهی و ارتباط اقشار و تفکرات گوناگون بسازیم و حیات اجتماعی انسان را سرشار از صلح و امنیت بسازیم. گفتگو و سخن گفتن بدون پراکنش کینه و تنفر، تنها راه شفای جامعه ای است که خشونت از صدر تا ذیل آن را قربانی خود کرده است.

ما می‌خواهیم با اتکا به نیروی ثابت قدم و همت زنان ایرانی، فضایی سالم و انسانی جهت برپایی جلسات گفتگو و بحث فارغ از کین ورزی خلق کنیم، و امیدواریم این «توان‌مندی‌های زنانه» بتواند به گسترش گفتگو، تحمل و مدارا به عنوان اصلي ترین عوامل کاهش خشونت در تمام سطوح گوناگون جامعه یاری رساند.

ما بر این باوریم، زنان بر اساس ظرفیت هایی که در فرآیند شکل دهی رفتارهای دموکراتیک در هم اندیشی ها و همگرایی ها و کمپین ها و گروه های صلح و دفاع از حقوق بشر زنان و ... از خود نشان داده اند این توانایی را یافته اند که گفتگو را در کانون عرصه های گوناگون حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه قرار دهند. آنها یقین دارند که می توان محتوی و کیفیت گفتگو را از موضوعات پراکنده به «اصلي هدفمند و راهگشا» در حوزه روابط شهروندان با حاکمیت و میان گروه های سیاسی و مدنی ارتقا دهند. زیرا نه تنها بن بست های اجتماعی سیاسی از طریق گفتگو و مذاکره گشوده می شوند بلکه از بستر گفتگو می توان راهکارهایی را کشف کرد که وفاق حداکثری را برانگیزد و ذینفعان گفتگو را به تبعیت از دستاوردهای آن، قانع سازد.

ما در کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت اجتماعی» باور داریم از طریق گفتگوی شفاف و در عرصه عمومی می توان از قطبی شدن جامعه جلوگیری کرد و شکاف بین گروه های مختلف اجتماعی- سیاسی را به نفع همگان کاهش داد و از این طریق بسترهای رویش خشونت های بالقوه را

خشکاند. به باور ما هرچه فضای گفتگو در سطوح مختلف افزایش یابد، هزینه های فرآیند گذار به دموکراسی در جامعه کاهش می یابد. از این روست که ما در کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت اجتماعی» جمع شده ایم تا در حد بضاعت خود با ایجاد همبستگی فراگیر تلاش کنیم گفتمان خشونت پرهیز را از طریق گفتگوی متقابل در عرصه عمومی، به مثابه اصلی ترین راهبرد خود، برای نیل به توسعه و دموکراسی گسترش دهیم.

آری، ما قصد آن داریم که با بهره گیری از دستاوردهای و عقاید و ایده های طیف ها، اقشار و اقوام و طبقات گوناگون جامعه در مناطق کشور، فضایی معتدل و چند صدایی، و زمینه ای مشترک در فضای «سیاه و سفید» و قطبی شده ی کنونی در جامعه به وجود آوریم. باشد تا با قدرت و عاطفه زنانه و با امید به خشکاندن ریشه خشونت در بلندمدت، سختی های این دوران را به کار و تلاش نقادانه و کشف امکان های تازه ی حل و فصل منازعات و مقاومت مسالمت آمیز برای رسیدن به مطالبات مان، تحمل کنیم.

همه ما در یک سرزمین با جغرافیایی واحد زندگی می کنیم، از این رو باید فرا بگیریم که هر نوع «منازعه»، «رقابت»، «پیشبرد منافع فردی و جمعی مان» و هر نوع «تغییری» را در فضایی اخلاقی، انسانی و غیرخشونت بار پیش ببریم در غیر این صورت جامعه ای بیمار خواهیم داشت که در آینده به سقوط کامل ارزش های انسانی، اخلاقی و مدنی، و زیر پا نهادن معیارهای انسانی، «برای رسیدن به اهداف اش» نیز تن خواهد داد.

کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی»

گروه ها:

- مدرسه فمینیستی
- جمعی از گروه میدان
- جمعی از مادران صلح
- کانون زنان ایرانی
- کمیته گزارشگران حقوق بشر
- جمعی از مادران عزادار
- انجمن علمی فراسو
- گروه ادبی - فرهنگی زنان آنیل

اسامی اولیه (به ترتیب حروف الفبا):

- آریتا شرف جهان
- آینا یعقوبی

- اشرف چیتگرزاده
- اکرم خیرخواه
- اکرم مینویی
- پرستو فروهر
- پروین بختیارنژاد
- پریسا کاکایی
- خدیجه مقدم
- رخشان بنی اعتماد
- رزا قراچورلو
- زهرا مینویی
- زهره تنکابنی
- ژیلایا بنی یعقوب
- سارا لقایی
- ساقی لقایی
- سپیده یوسف زاده
- سعیده امین
- سیمین بهبهانی
- شهلا فرجاد
- شهلا لاهیجی
- شیرین عبادی
- شیوا نظرآهاری
- غزال شولی زاده
- فاطمه گوارایی
- فرخنده جبارزادگان
- فرزانه طاهری
- فیروزه صابر
- گیتی خیرخواه
- لیلا اسدی
- لیلا صحت
- محبوبه عباسقلی زاده
- مریم امی
- مریم بهشتی
- مریم رحمانی
- مریم قنبری
- مریم مجد
- مریم یاسمین شیرازی
- مژگان جعفریان

- مریم بهرمن
- معصومه وطنی
- منصوره شجاعی
- مینا جعفری
- مینا ربیعی
- مینو مرتاضی
- ناهید توسلی
- نرگس محمدی
- نسرین ستوده
- نوشین احمدی خراسانی

ایمیل کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی»: iranianwomenagainstviolence@gmail.com